

## ژئوپلیتیک شهری

### رویکردی نوین در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران

قدیر صیامی (دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه فردوسی مشهد، نویسنده‌ی مسؤل)

Qa.Siami@stu-mail.um.ac.ir

حسن خلیل آبادی (کارشناس ارشد آمایش سرزمین دانشگاه بین‌المللی چابهار)

Palateb@yahoo.com

#### چکیده

ژئوپلیتیک شهری، دانشی نوین و رهیافتی جدید از ژئوپلیتیک سنجش‌گرانه‌ی نوظهور است، که با مقیاسی متفاوت، رویکرد جستجوگرایانه‌ای به روابط قدرت، رقابت و سیاست میان کنش‌گران فضای شهری دارد و می‌کوشد برآیندهای مثبت (مانند: مشارکت کارآ، فراگیر، دموکراتیک و...) و منفی (همچون: خشونت، آشوب، جنگ، تروریسم و...) را در روابط و مناسبات شهری به تصویر بکشد. این مقاله، علاوه بر تبیین مبانی نظریه‌ای دانش ژئوپلیتیک شهری، به عنوان رویکردی میان‌رشته‌ای و جدید در عرصه‌ی مطالعات سیاسی-شهری جهان، که برای نخستین بار در ادبیات آکادمیک ایران مطرح شده است، شناخت بازنمودهای قدرت و رقابت میان شهرها، تشریح پیامدهای خشونت بار رسمی (جنگ) و غیر رسمی (ترور) علیه شهر در عصر جدید، و زمینه‌یابی کاربرد دانش ژئوپلیتیک شهری در ایران مبتنی بر مناسبات قدرت، رقابت و سیاست، خواهد بود. این پژوهش مبتنی بر شیوه‌ی تحلیلی - توصیفی است که پس از تشریح این رویکرد جدید نسبت به تحلیل زمینه‌ها و ضرورت‌های به کارگیری آن در نظام مطالعات سیاسی-شهری ایران اقدام شده است. با توجه به نقش کلیدی مناطق استراتژیک و حساس اغلب شهرها در ایران، این فضاها می‌توانند در چارچوب دانشی جدید به نام ژئوپلیتیک شهری، به شکلی کارآمد واز دیدگاه روابط قدرت، رقابت و سیاست، بازنمودهای مخرب (خشونت) یا سازنده‌ی (مشارکت سودمند) آن، مورد بررسی قرار گرفته تا از رهگذر آن، مسیرها و افق‌های جدید و

کارآمدتری در تحلیل، نظریه پردازی و بسط دانش جامعه شناسی شهری، جغرافیای شهری، برنامه ریزی شهری و دانش ژئوپلیتیک معاصر ایران گشوده شود. کلیدواژه‌ها: ژئوپلیتیک، ژئوپلیتیک شهری، قدرت، رقابت، جنگ و خشونت علیه شهر.

#### درآمد:

اصطلاح ژئوپلیتیک، به عنوان واژه ای بحث برانگیز و پرابهام، برای نخستین بار توسط دانشمند سوئدی «رادلف کیلن»<sup>۱</sup> در سال ۱۸۹۹ و به مفهوم «دانش تحلیل روابط جغرافیا و سیاست» گام به عرصه‌ی مطالعات جغرافیای سیاسی معاصر نهاد (Dodds & Atkinson, ۲۰۰۰:۳). این علم که در تفکر سنجش گرانه‌ی نوین (ژئوپلیتیک انتقادی)، از آن به عنوان شکلی از «روابط قدرت - دانش»<sup>۲</sup> یاد می شود (Tuathail & Dalby & Routledge, ۱۹۹۸:۱۵)؛ از جمله مفاهیمی است که از زمان پیدایش آن تاکنون، پیوسته بر سر ماهیتش اختلاف نظر بوده است. به گونه‌ای که لاکوست و ژیبلین<sup>۳</sup> با توجه به تعدد برداشت‌ها و تعاریف از واژه‌ی ژئوپلیتیک، بر این باورند که برداشت‌های متفاوت از ژئوپلیتیک ارائه شده است، ولی یک تعریف عمومی و از پیش تعیین شده برای ژئوپلیتیک وجود ندارد (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۱۳). این تحول و دگرذیسی در ساختار مفهومی ژئوپلیتیک سبب شده است تا رهیافت‌های هرمنوتیکی جدید، گستره‌ی های روش شناسانه‌ی نوینی را پیش روی این علم قرار داده و حتی چارچوب بنیادین ژئوپلیتیک را، از تحلیل‌های مرسوم در بررسی روابط قدرت - سیاست، به سوی راهبردهای تفسیری جدیدتری همچون بررسی روابط قدرت - خشونت سوق دهند (Ingram & Dodds, ۲۰۰۹:۲۵۹).

بررسی روند تاریخی و روش شناسی مفهوم ژئوپلیتیک، نشان می‌دهد که تعاریف، تفاسیر، گزاره‌های ابداعی و در نتیجه رویکردهای متفاوت و گاه متضاد، در مواجهه با مفهوم ژئوپلیتیک، ناشی از تفاوت نگرش‌ها در مکاتب فکری و فلسفی، فرهنگ سیاسی، خصوصیات جغرافیایی

۱. Rudolf Kjellen

۲. power-knowledge relations

۳. Lacoste & Giblin

ناظر بر تحولات سیاسی - نظامی و امنیتی و نیز علایق علمی - آکادمیک دانشمندان علوم سیاسی کشورهای مختلف جهان، در پرداختن به این موضوع است.

اگرچه برخی از ژئوپلیتیسین ها، تنوع دیدگاهها و سبکهای متفاوت در پرداختن به مفهوم ژئوپلیتیک را زمینه ساز ورود اغراض سیاسی، اظهارنظرهای غیر علمی، توصیفات اغراق گونه دانسته اند، که سبب مخدوش شدن اعتبار علمی و فلسفی مفهوم ژئوپلیتیک شده است (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۷۵)؛ به نظر می رسد چنین ماهیت هرمنوتیکی و تفسیری سیال، در کاربرد واژه ژئوپلیتیک یک امکان منحصر به فرد در پاسخ به نیازهای رو به گسترش معاصر و مرتبط با سرزمین، قدرت و سیاست را فراهم آورده است.

بررسی ادبیات نظری و آکادمیک ایران در خصوص مفهوم ژئوپلیتیک، نشان می دهد علی رغم نبود هم گونی و جامعیت نسبی در مفاهیم به کار رفته در خصوص واژه ژئوپلیتیک (همان، ۷۵)؛ امروزه ما با جریانهای گسترش یابنده، متعدد و منشعب از پرسیمان ژئوپلیتیک روبرو هستیم که هر یک در قالب نوعی طرحواره<sup>(۱)</sup> در تلاش اند، فارغ از مقیاس های مرسوم، به تحلیل روابط قدرت میان بازیگران عرصه های ژئوپلیتیکی بپردازند.

موضوعاتی چون ژئوپلیتیک شیعه (مایل افشار، ۱۳۸۳)، ژئوپلیتیک تاریخی ایران (محمدبای، ۱۳۸۸)، ژئوپلیتیک گردشگری ایران (جوان و سقایی، ۱۳۸۳)، اهمیت ژئوپلیتیک شمال شرق (پاپلی، ۱۳۷۶ و ۱۳۷۸) و بسیاری زمینه های دیگر، دلیلی بر این ادعاست.

چشم انداز اجتناب ناپذیر در ساختار فضایی و آمایشی ایران، افزایش تعداد و جمعیت شهرهای ایران و نیز اهمیت یابی نقش، کارکرد، بازیگردانی و نقش آفرینی شهرهای ایران در مقیاس های محلی، ناحیه ای، ملی و بین المللی خواهد بود. شبکه ای متراکم از شهرها باتغییرات پرشتاب فناورانه، که آشکارا خبر کاهش شدید فاصله ها را نوید می دهد (Graham, 2001: 410). مطالعات نشان می دهد، جمعیت شهرنشین ایران در نخستین سرشماری (۱۳۳۵) با نرخ رشد پنج درصد معادل دو میلیون و هفتصد و نود هزار تن و ضریب شهرنشینی به ۳۱/۴ درصد برآورد گردید (نظریان، ۱۳۷۹: ۸۰). در حالی که در سال ۱۳۸۵ این جمعیت به حدود چهل و هشت میلیون و دویست و چهل و پنج هزار تن و ضریب شهرنشینی

با رشد فزاینده‌ی ای به ۶۸/۴۶ درصد، افزایش یافت و تعداد شهرها نیز از ۱۴۴ شهر در سال ۱۳۳۵، به تعداد ۱۱۱۵ شهر در سال ۱۳۸۵ رسید (مرکز آمار ایران، ۱۳۸۵: ۱۴).

از این رو ما با نوعی قدرت و نقش آفرینی شهری در ایران روبرو خواهیم بود که می‌تواند در چارچوب روابط مناسبات قدرت، رقابت و سیاست در مقیاس شهری با نام ژئوپلیتیک شهری<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گیرد.

### چارچوب روش شناسی پژوهش

انجام این پژوهش، به روش تحلیلی - توصیفی است. تلاش شده است تا در آغاز، به روش اسنادی و با طرح رویکردهای متفاوت از ژئوپلیتیسین‌های برجسته‌ی ایرانی، بدیع بودن آن به تصویر کشیده شود. در ادامه و در یک چارچوب تاریخی خاص، روند تکوین و تحول دانش ژئوپلیتیک شهری با تأکید بر زمینه‌ها، خاستگاه و بنیان‌گذاران این رهیافت، در کنار اصول و بنیان‌های آن، تشریح و معرفی شده است. همچنین ضمن طرح مصداق‌هایی از خشونت در شهرهای ایران، در یک فرایند تاریخی، از دیدگاه ژئوپلیتیک شهری، خلأ دانش تحلیل روابط قدرت، سیاست، رقابت و خشونت، و برآیندهای آن در شهرهای ایران برجسته شده است. در پایان نیز با رویکردی ایجابی، به برخی از مهمترین کاربردهای دانش ژئوپلیتیک شهری، در زمینه‌هایی چون: برنامه ریزی شهری، آمایش سرزمین و مدیریت شهری ایران اشاره ای کوتاه شده است.

مروری بر ساختارهای نظری و مفهومی ژئوپلیتیک در ایران

اصطلاح ژئوپلیتیک در ایران برای نخستین بار توسط یک سرهنگ بازنشسته ارتش با نام سعدالدین رشدی در سال ۱۳۵۰ مورد استفاده قرار گرفت. او متأثر از فلسفه‌های خرد گرایانه، پوزیتیویسم منطقی و جغرافیای کمی در غرب، ژئوپلیتیک را «رشته‌ای ریاضی، منطقی و قابل محاسبه در مناسبات جهانی» (رشدی، ۱۳۵۰: ۵۵) دانست.

۱. Urban Geopolitics

عزتی در نخستین تعریف خود با تأکید بر تأثیر پدیده های جغرافیایی بر ساختارهای حکومتی و غیرحکومتی، ژئوپلیتیک را علم بررسی روابط بالا، در مناسبات میان دولت‌ها می‌داند (عزتی، ۱۳۷۳: ۸۸). وی در تعریف دیگر خود، ژئوپلیتیک را در معنای لغوی خود «سیاست زمین» به کار برده (عزتی، ۱۳۷۷: ۱) که به بررسی نقش عوامل محیط جغرافیایی بر روابط بین الملل می‌پردازد. ایشان در تعریفی مترقی‌تر، ژئوپلیتیک را درک واقعیت‌های محیط جغرافیایی به منظور دستیابی به قدرت برای ورود به بازی جهانی در بالاترین سطح در جهت حفظ منافع و حیات ملی» دانسته‌اند (عزتی، ۱۳۸۰: ۷). در تعاریف بالا دو مؤلفه‌ی «نقش عوامل و محیط جغرافیایی» و «بررسی روابط بین الملل» جایگاه ویژه‌ای را در تفسیر ایشان از مفهوم ژئوپلیتیک به خود اختصاص داده است.

مجتهدزاده با مکمل دانستن «ژئوپلیتیک» و «سیاست جغرافیایی»، آن را «علم مطالعه‌ی اثر محیط و اشکال یا پدیده های محیطی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی، به ویژه در سطوح منطقه‌ای و جهانی» می‌داند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۸). در تعریف دیگر با تأکید بر عامل «قدرت»، ژئوپلیتیک را «اثرگذاری عوامل جغرافیایی بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در رقابت‌های قدرتی» عنوان کرده‌اند<sup>(۲)</sup>. که از دیدگاه تفسیری ایشان نیز ژئوپلیتیک مقیاسی منطقه‌ای و جهانی دارد و عموماً در این مناسبات بر نقش عوامل طبیعی بیشتر تأکید می‌شود.

کاظمی در یک نگاه کلاسیک به ژئوپلیتیک و با تأکید بیشتر بر جبر جغرافیایی<sup>۱</sup>، آن را دانشی معرفی می‌کند که به شناخت صحیح عوامل ناشی از جبر جغرافیایی (اعم از ثابت و متغیر) می‌پردازد و تأثیرات متقابل آنها و سیاست‌های برخورد با آنها را تبیین می‌کند (کاظمی، ۱۳۷۳: ۱۷۲).

دره میر حیدر در تعریفی که از مفهوم ژئوپلیتیک ارائه می‌دهد، آن را «شیوه های قراءت و نگارش سیاست بین الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آنها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای» می‌داند (میرحیدر، ۱۳۷۷: ۲۲). وی بر خلاف دیگر تعاریف، با تأکید بر دیدگاه «امکان‌گرایی»، نقش و جایگاه صاحبان قدرت و اندیشه های سیاسی را به

۱. Determinism

نسبت نقش عوامل جغرافیایی در روابط و مناسبات قدرت میان کشورها پراهمیت تر تلقی نموده، اما همچون دیگر ژئوپلیتیسین های ایرانی، بر ژئوپلیتیک به عنوان دانش مطالعه‌ی روابط منطقه ای و بین الملل، تأکید دارد.

حافظ نیا با تأکید بر تعامل سه پارامتر و عنصر اصلی در شکل گیری مفهوم ژئوپلیتیک یعنی «جغرافیا»، «قدرت» و «سیاست»، ژئوپلیتیک را «علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت و سیاست و کنش های ناشی از ترکیب آنها با یکدیگر» می داند (حافظ نیا، ۱۳۸۵: ۳۷). که جدا از کلی بودن محتوای تعبیر، جدیدترین و فراگیرترین تفسیر از واژه‌ی ژئوپلیتیک محسوب می شود. واکاوی ادبیات نظری و آکادمیک در خصوص دانش ژئوپلیتیک در ایران، علی رغم رویکردهای مونوگرافیک و تک نگاری ها، از فرایندی کمال یابنده و رو به رشد حکایت دارد. و اگر چه ممکن است به دلیل رشد افقی و عرضی در مبانی دانشی این علم، به عنوان یک سازه‌ی علمی واجد گزاره های کلی و یقینی و روش شناسی معتبر، به نظر نرسد؛ اما به دلیل برخورداری از ابزار تحلیلی نظام مند و ماهیتی انعطاف پذیر، چارچوب مطالعاتی قابل اتکایی در تحلیل مناسبات قدرت، سیاست و سرزمین با مقیاس های متفاوت محسوب می شود. این خصوصیت دانش ژئوپلیتیک در کنار مسائل انباشته شده و فزاینده و نوین شهری، زمینه ساز پیدایش پارادایم جدیدی به نام «ژئوپلیتیک شهری» برای پاسخ گویی به پرسش های جدید در مناسبات و تأثیرات قدرت، سیاست و رقابت در فضاها‌ی شهری در غرب شده است. تحلیل رویکردهای متفاوت به ژئوپلیتیک در ایران نشان داد که هیچ کدام از صاحب نظران علوم سیاسی ایران در زمینه‌ی ژئوپلیتیک، تاکنون به کاربرد دانش ژئوپلیتیک در مقیاس شهری اشاره ای نداشته و ژئوپلیتیک را غالباً، دانش بررسی روابط قدرت و سیاست، متأثر از شرایط جغرافیایی کشورهای مختلف پنداشته اند.

#### سرچشمه های نخستین ژئوپلیتیک شهری

ما در عصری نارسا و آشفته زندگی می کنیم. عصری که در آن فضاها، با جریان های فراگیر جهانی در هم آمیخته و سرعت، تراکم و فناوری اطلاعات، تار و پود آن را تشکیل داده است و شرایط پست مدرنیته می رود تا نقشه های ذهنی از تصورات مرسوم ژئوپلیتیکی ما را در هم بریزد و مفهومی جدید، از ژئوپلیتیک را به ارمغان بیاورد (Tuathail & Dalby, ۲۰۰۲: ۱۶). واقعیت «شهر»

در عصر جدید نیز با مجموعه ای از روابط مبتنی بر فیبر نوری<sup>۱</sup> در مقیاس درون شهری، برون شهری، مقیاس های منطقه ای، ملی و بین المللی وحتى در سطح فراتر یعنی درون سیاره ای آمیخته شده است (Graham, ۱۹۹۸: ۹۴۶) و در جریان این روابط «قدرت» و «رقابت» ماهیتی تعیین کننده دارند. از سویی، جمعیت جهان نیز، با شتابی بی مانند، به رقم هفت میلیارد تن نزدیک می شود و شهرها در یک نظام شبکه ای، اگرچه به عنوان کانون های بی بدیل و در عین حال ناهمگون جمعیت، ثروت، قدرت و خلاقیت های شگفت آور بشری تبدیل می شوند؛ ولی به همان اندازه نیز به قطب فزاینده رقابت، خشونت های سیاسی، نظامی و شبه نظامی، درگیرهای قومی و زبانی، ناامنی، اعتصاب و اهداف تخریب گرانه ی تروریستی تبدیل می شوند (Graham, ۲۰۰۴: ۱).

ماهیت سیال دانش ژئوپلیتیک به عنوان دانش تحلیل روابط قدرت، و نیز گسترش مناسبات قدرت و رقابت در درون و میان شهرها، شالوده و اساس شکل گیری دانشی جدید در نظام آکادمیک غرب را، با عنوان «ژئوپلیتیک شهری» فراهم آورد. سال ۲۰۰۳ را می توان سرآغاز و نقطه ی عطف ژئوپلیتیک شهری در جهان قلمداد کرد. تا پیش از این سال مفهوم ژئوپلیتیک و مفاهیم وابسته به آن همچون قدرت، رقابت، سیاست و فضا، مقیاسی عموماً بین المللی داشت. مبدع اصطلاح ژئوپلیتیک شهری در ادبیات سیاسی و ژئوپلیتیکی غرب، «استفان گراهام»<sup>۲</sup> است. او با تألیف کتاب معروف خود به نام «شهرها، جنگ و تروریسم؛ به سوی یک ژئوپلیتیک شهری»<sup>۳</sup> در سال ۲۰۰۳، برای نخستین بار شهر و محلات شهری را در مرکز مطالعات ژئوپلیتیکی قرار داد (Ingram & Dodds, ۲۰۰۹: ۲۶۷).

پس از طرح ایده ژئوپلیتیک شهری توسط گراهام، در همان سال با همکاری دانشگاه های «عمر بنگو»<sup>۴</sup> از کشور گابن<sup>۵</sup>، دانشگاه متز<sup>۶</sup> از کشور فرانسه و دانشگاه اتاوا از کشور کانادا به میزبانی فرانسه از اتحادیه اروپا، کنفرانس بین المللی ژئوپلیتیک شهری برگزار شد. محورهای

۱. Optic-Fiber

۲. Stephen Graham

۳. Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics

۴. Omar Bongo

۵. Gabon

۶. Metz

راهبردی این کنفرانس، موضوعاتی چون خطرهای زندگی شهری، سازمان دادن مناطق شهری، کنترل فضاهای قابل سکونت، کشمکش‌ها و آشوب‌های شهری، رقابت‌های سیاسی در شهر و غیره بود (Breux, ۲۰۰۷:۱).

کشور فرانسه را می‌توان خاستگاه اولیه‌ی نشر دانش ژئوپلیتیک شهری به حساب آورد. ساختارهای ناهمگون جمعیتی و فرهنگی در شهرهای این کشور، متشکل از مهاجرانی از کشورهای آفریقایی، آسیایی و اروپای شرقی، به‌ویژه پیرامون شهر پاریس، زمینه‌ی بروز خشونت، درگیری، اعتراض‌های اقلیت‌ها، اصناف، قدرت جویی گروه‌های قومی - نژادی و رقابت‌های خشونت آمیز شهری را در فضای شهرهای فرانسه، به‌ویژه پاریس، فراهم ساخته است.

از اواخر سال‌های ۱۹۷۰ و حوادث سال ۱۹۷۹ منگت‌ها<sup>۱</sup> در ونیسیو<sup>۲</sup> (تابستان ۱۹۸۱)، حومه‌ی شهر لیون، شاهد دوره‌ای از آشوب‌ها بودند، که معمولاً بیشتر آنها تنها چند شب به طول می‌انجامید (Iacoste, ۲۰۰۶:۱۱).

موج آشوب‌های شهری در پاییز سال ۲۰۰۵ براساس همان الگو آغاز شد. مرگ تصادفی دو نوجوان که ملیتی مراکشی و سابساریانی<sup>۳</sup> داشتند، به دلیل تحت تعقیب قرار گرفتن توسط پلیس و ورود به ایستگاه مولد برق و کشته شدن توسط جریان الکتریکی بدون این‌که تیراندازی صورت گرفته باشد، سبب اولین برخوردها میان نیروهای پلیس و جوانان شهرکی در حومه پاریس و بخش مُنتفرمی<sup>۴</sup> که در همسایگی آن قرار داشت، شد. این آشوب‌ها به سرعت در بسیاری از مناطق دیگر حاشیه نشین پاریس گسترش یافت و در نهایت در محله‌های حدود پنجاه شهر از سایر استان‌ها، آشوب برپا شد. این شورش‌ها هم‌زمان به هجده منطقه از بیست و دو منطقه در پایتخت گسترش یافت. در این حوادث هزار اتومبیل به آتش کشیده شده، بیش از دویست و پنجاه مدرسه کم و بیش نابود گردید، سالن‌های ورزشی، مهدکودک‌ها، اداره‌های پست، یک سالن تئاتر، و به‌طور حتم کلانتری‌ها آسیب‌های جدی دیدند. ارزش

۱. Mignonettes

۲. Venissieux

۳. Subaharienne

۴. Montfermeil



خسارات جهانی این شورش ها توسط شرکت های بیمه، دویست میلیون یورو برآورد شده است (Ibid, ۹۵). چند هفته پس از پایان آشوب های پاییزی، در سال ۲۰۰۵ که منجر به آشوب های پر دامنه ی شهری و تهدید دولت سارکوزی گردید؛ حساسیت های محافل علمی و دانشگاهی نسبت به موضوع ژئوپلیتیک شهری و اهمیت سیاسی مناطق مختلف یک شهر از دیدگاه امنیت، رقابت، سیاست و قدرت برانگیخته شد و یک کنفرانس بین المللی ژئوپلیتیک شهری، به ابتکار فردیک دوزت<sup>۱</sup> توسط دانشگاه سرجی<sup>۲</sup> با مشارکت مؤسسه ی فرانسوی ژئوپلیتیک، دانشگاه پاریس ۹ و دانشگاه کالیفرنیا در بروکلی و شورای عمومی پاریس<sup>۳</sup> با عنوان «قلمروهای شهری در برابر چالش های تفکیک نژادی» برگزار شد.

پس از برگزاری گردهمایی های آکادمیک در خصوص ژئوپلیتیک شهری، این پارادایم نوین، به سرعت به محافل علمی - سیاسی جهان راه یافت و مقالات و کتب متعددی، متأثر از این دیدگاه به تألیف رسید. از جمله ی این آثار می توان به "گتوهای آمریکایی و حومه های فرانسوی" (Beatrice Giblin, ۲۰۰۳)، "شهر پست مدرن و ژئوپلیتیک شهری" (Graham, ۲۰۰۴)، "تاریخ پرفراز و نشیب ژئوپلیتیک" (Iacose, ۲۰۰۶)، "ژئوپلیتیک و ژئوپلیتیک شهری" (Breux, ۲۰۰۷)، "گروه های نژادی و ژئوپلیتیک انتخابات در آمریکا" (Raballand, ۲۰۰۸)، "توسعه شهر هبرون (فلسطین) در بستر پیچیده ژئوپلیتیک شهری" (Nisreen Zahda, ۲۰۰۹) و ... را نام برد.

نشریه ی فرانسوی «هرودوت»<sup>۴</sup> نیز به عنوان پایگاه فکری نشر اندیشه های مرتبط با ژئوپلیتیک شهری، از سال ۲۰۰۳ به بعد، کانون توجهات خود را به بازتاب مقالات مرتبط با موضوع، قدرت، رقابت، سیاست در فضای شهر، قرار داده است. به گونه ای که برخی از محققان معتقدند فصلنامه ی هرودوت به نوعی افراط در پرداختن به این موضوع، راه حل همه مشکلات، حتی در مقیاس ناحیه ای، ملی را در شهرها جستجو می کند (Breux, ۲۰۰۷:۳).

۱. Fredrick Douzet

۲. Cergy- Pontoise

۳. Val- doise

۴. Hérodote

## شناخت شناسی ژئوپلیتیک شهری

شناخت شناسی<sup>۱</sup> (نظریه دانش)، جزیی از فلسفه‌ی علوم است و هدف آن تشریح موضوع، تعیین حدود و شناسایی قوانین مربوط به گسترش دانش هاست و آن را مطالعه‌ی انتقادی<sup>۲</sup> (سنجش‌گرانه) اصول، فرضیه‌ها، و نتایج دانش‌های گوناگون تعریف کرده‌اند (دانشپور، ۱۳۸۸: ۲۶).

از دیدگاه شناخت شناسی، پارادایم جدید در عرصه‌ی مفاهیم و تعاریف ژئوپلیتیک از این واقعیت سرچشمه می‌گیرد که دیگر این دانش تنها به تجزیه و تحلیل روابط میان کشورها محدود نمی‌شود؛ بلکه تحلیل و تبیین ژئوپلیتیکی در روابط قدرت و رقابت موجود در سرزمین‌هایی به ابعاد کوچک، همچون بیروت یا در محلات مرکزی لوس آنجلس هم اعمال می‌شود (ژیبلین و کست، ۱۳۷۸: ۴۷).

ژئوپلیتیک شهری مبنای نظری این طرحواره را، نگاه مکاشفه‌ای به ماهیت قدرت و برآیند آن یعنی رقابت و پیامد آن بر فضاها‌ی شهری قرار داده است. این اصطکاک نیروها، میان احزاب سیاسی، طبقات اقتصادی و گروه‌های فرهنگی - قومی یا میان جامعه مدنی با حاکمیت (اعم از محلی یا ملی) است که گاه منجر به مشارکت کارای شهروندان در توسعه‌ی شهر می‌شود و گاه به خشونت و تضعیف دموکراسی و واگرایی مخرب میان نیروهای سازنده شهر منجر می‌شود. چنین تعامل یا تقابل قدرت در شهر یکی از مهمترین موضوعات در دانش ژئوپلیتیک شهری محسوب می‌گردد.

ژئوپلیتیک شهری دو ویژگی اصلی ژئوپلیتیک را توصیف می‌کنند: از یک سو، ژئوپلیتیک به رده، مقیاس و ساختار ویژه‌ای تعلق نداشته و موضوعی فراگیر است و رقابت‌های بین شهرها به همان اندازه که در مقیاس جهانی در میان کشورهای مختلف وجود دارد، در دل سرزمین‌های ملی و در درون شهرها و حتی محلات نیز جاری است. از سوی دیگر،

۱. epistemology

۲. critical study

ژئوپلیتیک شهری می تواند تجزیه و تحلیل رقابت موجود در دل یک شهر و حتی یک منطقه‌ی شهری، میان محله‌ها، خیابان‌ها و یا بین قسمت‌های مختلف همان شهر را به تصویر بکشد. ژئوپلیتیک شهری را می‌توان آمیزه‌ای از علوم سیاسی، روابط بین‌الملل، جامعه‌شناسی، جغرافیا، برنامه‌ریزی شهری، تاریخ و مطالعات نظامی تلقی نمود. در واقع این دانش به دنبال پاسخ به این سؤال است که چگونه شهر و مناطق شهری به سامان‌یابی روابط قدرت تن داده و بازتاب روابط قدرت چگونه بر توسعه‌ی کالبدی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یک شهر مؤثر است. همچنین تلاش می‌کند تا ناپدید شدن مجازی قدرت‌های سیاسی در برابر شهر و ساکنانش را از دیدگاه دانش اجتماعی مورد واکاوی قرار دهد (Graham, ۲۰۰۴: ۲۴). حال ممکن است این رقابت‌ها در فضای محلات و بافت‌های شهری روی دهد، یا میان شهر و پیرامون خود باشد و یا ممکن است مفهوم رقابت در تعاملات میان شهر با شهرهای دیگر در داخل استان (شهرهای منطقه‌ای)، یا در حوزه و قلمرو جغرافیایی یک کشور (شهرهای ملی) و یا در عرصه‌ی بین‌المللی (شهرهای جهانی یا جهان‌شهرها) حادث گردد.

از این رو، آنچه که در متن یک شهر پدید آورنده‌ی مؤلفه‌های قدرت و رقابت است؛ خواه جهان‌شهری چون پاریس، که اقتصاد فرهنگی‌اش، این شهر را به مرکز مقتدر و نشر نوآورانه‌ی محصولات فرهنگی جهان نو بدل کرده است (Scott, ۲۰۰۰: ۵۸۳) و یا حتی شهر کوچک و گمنامی همچون لویزیویل<sup>۱</sup> که به اعتبار اسطوره‌ی ورزشی‌اش (محمد علی کلی)، از هویت و قدرتی پایدار و جهانی برخوردار شده است (Throgmorton, ۲۰۰۵: ۱۱)؛ موضوع محوری در ژئوپلیتیک شهری قلمداد می‌شود.

ژئوپلیتیک شهری، به عنوان دانشی میان‌رشته‌ای، گسترده و متنوع است و به موضوعات بی‌شماری چون نظام برنامه‌ریزی شهر، مرزهای توسعه، رقابت و تضاد میان قدرت‌مداران، کنش‌ها و کنش‌های طبقاتی، محیط زیست شهری و جایگاه شهروندان، فرهنگ عمومی شهروندان، جمعیت و ساختار آن و بسیاری مسائل دیگر که مبتنی بر روابط قدرت در درون یک شهر، میان شهروندان و گروه‌های اجتماعی و سیاسی و مذهبی با یکدیگر یا میان

۱. Louisville

شهروندان و گروههای اجتماعی باحاکمیت است؛ می پردازد. در واقع، بهتر است بگوییم که ژئوپلیتیک با رویکرد شهری، یک روش شهرمحورانه برای بررسی عمیق، همه جانبه و جامع روابط قدرت میان افراد و گروهها با یکدیگر و یا بادیگر منابع قدرت در شهرهاست. قدرتی که اصطکاک میان آنها منجر به بروز رقابت شده و این رقابتها منجر به ایجاد تغییر در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی، سیاسی، کالبدی و حتی زیست محیطی شهرها می-شود.

### ژئوپلیتیک شهری و میان‌کنش دیالکتیکی<sup>۱</sup> شهروندان

منطقاً، معنای بنیادین ژئوپلیتیک «سیاست» است و سیاست در وهله‌ی اول متعلق به دولت محل سکونت مردم است. در اولین و رایج ترین مفهوم از واژه‌ی سیاست، این واژه به معنای مباحثه، مناظره و تقابل شهروندان یک شهر در مورد قوانین، امور و مشکلات محل سکونت شهروندان یا ملت ساکن در آن تعریف شده است. (کست و ژیبلین، ۱۳۷۸: ۶۶). فراتر از چارچوب و منطق اکولوژی اجتماعی شهر، که قیاسی بیولوژیکی به شهر و رقابت افراد و خانواده‌ها داشت؛ ژئوپلیتیک شهری نوعی زندگی سیاسی نوین به نام "حیات شهروندی" برای شهروندان قائل است. در این رهیافت شهروندان با قرار گرفتن در طبقات مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی، از ایده‌ها، آمال، خواست و نیازها و در نتیجه هویت‌های شهری همگن برخوردار می‌شوند. در این رهگذر ژئوپلیتیک شهری به دنبال شناخت ایده‌ها و برداشت‌های مشترک از احزاب سیاسی، گروههای مذهبی و یا طبقات اقتصادی و دیگرکانون‌های همگرای اجتماعی در شهر است، که آنها را به جنب و جوش و داشته و جهان بینی آنها را جهت داده و سامان می‌بخشد (Purcell, ۲۰۰۳: ۱۳). اگر مفهوم ملت و در بیانی ملموس تر شهروند را یک ایده‌ی ژئوپلیتیکی اساسی تلقی کنیم (Lacoste, ۲۰۰۶: ۷)؛ پیوسته روابط گفتمانی و دیالکتیکی مبتنی بر آگاهی، میان شهروندان و یا میان شهروندان و نهادهای قدرت در شهر (به ویژه حاکمیت) در جریان است. این میان‌کنش دیالکتیکی در یک

۱. Intraaction Dialectical

تعامل سازنده، منجر به رشد همکاری شهروندان با حاکمیت، ارتقاء مشروعیت سیاسی و رشد آگاهی‌های عموم از حقوق و وظایف خود و در نهایت توسعه پایدار شهر می‌شود و گاهی با قرار گرفتن در نقطه‌ی مقابل یکدیگر، به اعتراضات شهروندی، واگرایی‌های خشونت بار با رویه‌های عمدتاً سیاسی منجر می‌شود. به عنوان نمونه، آشوب‌های پرادمانه‌ی شهری در پاریس، درگیری‌های گروه‌های ضد جنگ در شهرهای کشور آمریکا، اعتراضات خیابانی کارگران بیکار در کشور آرژانتین نسبت به شرکت‌های چند ملیتی و تسلط رسانه‌ای دولت در ارویانه جلوه دادن اوضاع اقتصادی و اجتماعی (۱۱۷: ۲۰۰۸، Chatterton & Gordon)، ناآرامی‌های شهری تهران پس از انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۱۳۸۹، تسخیر پنج نقطه استراتژیک شهر بانکوک و بخصوص قلب مرکز تجاری این شهر توسط هشتاد هزار تن از معترضان خشمگین روستایی موسوم به «پیراهن قرمزها» و وفادار به نخست‌وزیر سابق تایلند در مارس سال ۲۰۱۰ و... مثال‌هایی از این میان‌کش دیالکتیکی معترضان میان شهروندان و حاکمیت است که سبب شده اند تا شهر به قلمروی ژئوپلیتیک در مناسبات میان شهروندان با یکدیگر و حاکمیت تبدیل شود.

#### ژئوپلیتیک شهری و خشونت علیه شهر

جنگ به عنوان یکی از واقعیت‌های اجتناب ناپذیر حیات سیاسی بشر (متکی، ۱۳۸۸: ۱) و اقدامی خشونت بار علیه صلح و امنیت جهان است که پیوسته سایه‌ی مصیبت بار خود را بر فراز شهرها گسترانیده است. این خشونت رسمی در کنار خشونت‌های غیر رسمی (تروریسم) علیه شهر و شهروندان، محصول ویران‌گرانه‌ی رقابت میان دولت‌ها علیه شهر و شهروندان است، از این رو موضوعی ژئوپلیتیک با محوریت شهر تلقی می‌شود.

از آغاز تاریخ شهرنشینی بشر، همواره میان شهر و خشونت به نام جنگ، ارتباط مستقیمی برقرار بوده و این ارتباط متقابل تا عصر حاضر نیز ادامه یافته است. به گونه‌ای که شهر، از سویی مهمترین اهداف تسلط و تخریب در جنگ‌ها بوده اند و با سقوط شهرهای مهم جنگ نیز غالباً پایان می‌یافت و جنگ نیز در طول تاریخ سبب شکل‌گیری، نابودی، تقویت و یا

تضعیف یک شهر می‌شد. از این رو جنگ و شهر به صورت تنگاتنگی در سرتاسر تاریخ مدنی و سیاسی بشر بر یکدیگر تأثیرگذار بوده‌اند، به گونه‌ای که برخی معتقدند شهر، پیشرفته‌ترین شکل زندگی دسته‌جمعی امروزی است و جنگ، آگاهانه‌ترین شکل یک خشونت دسته‌جمعی. از این روست که افسانه‌های دلهره‌آور ویرانی شهر، در بسیاری از داستان‌های تمثیلی، آثار فلسفی، مذهبی و تاریخی کلاسیک غرب ریشه‌دوانده است (Berman, ۱۹۹۶: ۱۷۵).

«از آن زمان که انسان زندگی در شهر را برگزید و شهرنشین شد، همیشه به ترس از نابودی شهر می‌اندیشید. چرا که گمان می‌کرد سرنوشت هر شهر، با "نابودی" عجین شده است.»

تاریخ ده هزار ساله‌ی مدنیت و شهرنشینی در ایران نیز نشان می‌دهد که نخستین سکونتگاه‌های شهری در این سرزمین به صورت دولت شهرهایی مستقل (ایالت شهر) اداره می‌شدند و در سازمان فضایی این کهن شهرها، عامل «دفاع» نقشی برجسته برعهده داشته است. (شیعه، ۱۳۸۰: ۱۸۵) سیلک به مثابه شهری مستحکم، دارای حصار، خندق و دیوار متأثر از شهرهای دوره آشوریان، نمونه‌ای از این گونه شهرهاست.

در عصر ایران باستان نیز می‌توان نخستین سرچشمه‌های نابودگری شهر در جنگ را جستجو کرد. به گونه‌ای که پیروزی در این قبیل جنگ‌ها، بیش از آن‌که با اشغال قلمرو حاکمیتی کشور رقیب همراه باشد، با به آتش کشیده شدن و انهدم بزرگترین و مهمترین شهرها همراه بود. ویرانی و به آتش کشیده شدن جهان‌شهر پرسپولیس (تخت جمشید) در عصر پادشاهی داریوش سوم - که از آن به عنوان خانه‌ی مقدس پارسی و ریشه‌ی حکومت هخامنش (ویلکلن؛ ۱۳۷۶: ۱۹۳) یاد می‌شد - ریشه در تنفر و ترس اسکندر از احیای مجدد قدرت ایرانیان داشت. این گونه به نظر می‌رسد که در ادوار مختلف تاریخ، کهن شهر ایرانی با دیوارهای ستون دار، همراه با برج و باروهای برافراشته و استحکامات و خندق‌های پیرامون خود، پیوسته با «یک تهاجم همیشه تهدید کننده و یا ویرانگری محتمل» روبرو بوده‌اند.

تخریب فضاها‌ی شهری که ریشه در ترس و تنفر دارد، در سرتاسر تاریخ جنگ‌ها، جاری است، از ورشو و هیروشیما گرفته تا خرمشهر و بغداد. بدبختی‌ها، آوارگی‌ها و مرگ

شهروندان در شهرهای بمباران شده، به ویژه پس از تصرف و اشغال، تاریک ترین وجه جنگ است که غالباً در بحبوحه‌ی غرور پیروزمندان جنگ، گم می شود. این تصویر جنگ در شهر است. جنگ پاره پاره می کند؛ از هم می درد، تهی می کند، می سوزاند و ویران می کند» (Sontag, 2003: 5).

در ادبیات تاریخی ایران، تصویرسازی اندوهناکی از انهدام برخی از شهرهای مهم و پرجمعیت همچون نیشابور و ری در حملات اقوام بیابانگرد مغول به چشم می خورد. چنان که در تاریخ جهانگشای جوینی و در وصف تهاجم ویرانگر اقوام مغول علیه شهر بخارا (از بلاد خراسان بزرگ) آمده است: «آمدند و کندند و سوختند و کشتند و بردند و رفتند». (شکری، ۱۳۶۹: ۵۷).

در عصر جدید دیگر جنگ در قلمروی باز، به موضوعی منسوخ مبدل شده است، و به جای آن جنگ های غیر رسمی (حملات تروریستی)، و رسمی (حمله‌ی کشوری به شهر یا شهرهای مهم کشور دیگر) به شیوه‌ی رایج خشونت های سیاسی علیه شهر تبدیل شده است. در این بین بازهم قربانیان اصلی این نبردها، شهروندان بی گناه و شهرهای بی دفاع اند و دیگر تأمین امنیت شهرها همچون گذشته با قرارداد آنها در میان برج و باروها، عملی نیست. امروزه جنگ ها دیگر در سنگرها و میداین روی نمی دهند، بلکه سایه‌ی مصیبت خود را تا اتاق‌های نشیمن، مدارس و سوپرمارکت های شهر و... نیز گسترانده اند.

تجاوز عراق علیه ایران در دوره‌ی معاصر، نمونه‌ی بارز در به کارگیری ایده انهدام شهر در فرایند جنگ است. به گونه‌ی ای که بسیاری از شهرها و شهروندان بی دفاع ایران در جریان یک تجاوز بین المللی با عاملیت دولت عراق، بارها هدف نابودی، انهدام و کشتار قرار گرفتند. این وحشی‌گری جدید علیه شهر و شهروندان، حتی دیده بان حقوق بشر در سازمان ملل را نیز وادار به اعتراف نمود:

«جناب دبیر کل شما به خوبی استحضار دارید که آنچه اکنون به جنگ شهر معروف شده است توسط عراق آغاز گردید. انگیزه این حملات موشکی به زانو درآوردن دولت ایران و

شکستن روحیه‌ی مقاومت مردم بود. این نوع حمله بی‌رحمانه به شهرهای بی‌دفاع از زمان جنگ جهانی دوم به این سو بی‌سابقه بوده است» (صفری؛ ۱۳۷۰: ۴۳).

یا به عنوان نمونه یکی از محققان غربی در خلال جنگ ایران و عراق اعلام کرد صدام حسین بیش از ۱۹۰ موشک دور برد (اسکود) به سوی شهرهای تهران، اصفهان و شهر مذهبی قم پرتاب کرد که هزاران تن از شهروندان غیر نظامی و بی‌دفاع را به خاک و خون کشید و بسیاری از زیرساخت‌های شهری را منهدم کرد (همان، ۱۱۱). طرح این موضوعات بدین معناست که جنگ، تروریسم و خشونت‌های سیاسی در عصر جدید، به شکلی مرموزانه بر بافت شهرها متمرکز شده و جنگی آگاهانه و فراگیر علیه شهر و شهروندان بنا نهاده اند که در آن فضا، زمان، تکنولوژی و قدرت، نقشی بدیع را بر عهده دارند (Virilio, ۲۰۰۲: ۵).

در دوره‌ی پس از جنگ سرد، روندی گسترش‌یابنده و موازی میان شهرنشینی و خشونت‌های سیاسی پدید آمده است، به گونه‌ای که جنگ، ترور و اعمال خشونت بار، با ظرافت و دقتی خاص مناطق شهری، محیط زندگی شهروندان و حتی خود شهروندان را هدف قرار داده‌اند.

بیشتر شهرهای بزرگ و ریشه‌دار تاریخی ایران نیز از آسیب‌های جنگ، تروریسم و رفتارهای خشونت‌بار علیه فضاهای شهری و شهروندان در امان نمانده‌اند و در طول تاریخ بارها مورد هجوم، غارت، و ویرانگری قرار گرفته‌اند. این در حالی است که تاکنون اندیشمندان و پژوهشگران علوم اجتماعی، علوم سیاسی، جامعه‌شناسی و جغرافیا در ایران، کمتر به این ارتباط و پیوستگی میان "شهر"، "جنگ" و رفتارهای خشونت‌آمیز علیه شهر و شهروندان پرداخته‌اند. بنابراین، این واقعیت ما را مجاب می‌کند که در جستجوی یک ژئوپلیتیک خاص و منحصر به فرد باشیم که بتواند پرده از رفتارهای خشونت‌آمیز علیه شهرها و شهروندان بردارد و با تأکید خاص بر "شهر" در ورای شیوه‌های مرسوم که تنها به روابط میان دولت‌ها و کشورها بسنده می‌کنند؛ زیر ساختی متمرکز بر شهرها داشته باشد.



### کاربست رهیافت ژئوپلیتیک شهری در تحلیل‌های ژئوپلیتیک ایران

دانش ژئوپلیتیک شهری به عنوان رویکردی نوظهور در تحلیل روابط قدرت و سیاست و مولفه‌های تأثیرگذار این دو متغیر بر شهر ایرانی، می‌تواند به عنوان حلقه‌ی واسط مطالعات شهری و رهیافت‌های ژئوپلیتیک در ایران، فصلی جدید در حوزه‌ی مطالعات مشترک و در هم تنیده این دو علم بگشاید. در زیر به برخی از این موضوعات اشاره شده است:

#### الف) ژئوپلیتیک شهری؛ چارچوب تقویت‌کننده بنیان‌های برنامه ریزی شهری در

#### ایران:

نظام برنامه ریزی شهری در ایران که میراث منسوخ رویکردهای کمی گرایانه‌ی غرب در دهه‌ی ۱۹۶۰ است، همچنان از مشکلات ساختاری، کارکردی و ماهیتی بسیاری، رنج می‌برد. علی‌رغم دگرگونی‌های گسترده در ساخت‌های فضایی، اجتماعی، کالبدی و کارکردی شهرها و فرایند شهرنشینی در ایران طی دهه‌های اخیر؛ هنوز طرح‌های جامع و تفصیلی شهرهای ایران، به جای آن‌که ابزاری برای بهبود و ارتقاء کیفیات محیطی و انسانی شهرها باشند، خود به بخشی مهمی از مشکلات جامعه شهری ایران بدل شده‌اند و آن‌جا که باید دانش برنامه ریزی شهری با به‌کارگیری تخصصی و حرفه‌ای، همراه با روش‌های علمی به نزدیک کردن منافع گروه‌های مختلف و گاه متضاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به یکدیگر، تقابل قدرت‌های سازنده‌ی شهر را در یک چارچوب سازمند، به سوی تعامل سازنده هدایت کند؛ سرنوشت توسعه‌ی یک شهر را در جداول سطح و سرانه جستجو می‌کند. امروزه مفاهیمی چون رقابت جویی شهرها<sup>۱</sup>، جنبش‌های مدنی، تحلیل تنش‌های قومی - زبانی و بررسی تباینات فرهنگی، تحلیل روابط قدرت در شهر و مسائلی از این قبیل در برنامه ریزی برای شهر ایرانی جایگاه شایسته‌ای نیافته است. دانش برنامه ریزی شهری ایران می‌تواند به مثابه نیروی چهارم و بازوی مستقل دولت، به اشاعه و نگاهداشت رفاه همگانی و منافع عمومی در برابر منافع افراد و گروه‌ها پرداخته و مدیریت قدرت در فضاهای شهری در راستای رفاه عمومی گام بردارد.

۱. Urban Competitiveness

در این چارچوب، درک کنش متقابل میان سیاست، قدرت و رقابت و مؤلفه‌های قدرت آفرین همچون تاریخ، فرهنگ، جمعیت، ساختارهای فرهنگی، هویت ملی و... که جوهره و متن ژئوپلیتیک شهری را تشکیل می‌دهند؛ می‌توانند به پیوست تحلیلی مهمی در برنامه‌های توسعه‌ی شهر در ایران تبدیل شوند.

### ب) ژئوپلیتیک شهری؛ شناسایی زیرساخت‌های قدرت ملی ایران

قدرت ملی در یک تحلیل ژئوپلیتیکی، بازتابی از مجموع وزن مؤلفه‌های قدرت افزا در ساختار و قلمرو فضایی - مکانی یک کشور است و شهرها به ویژه شهرهای بزرگ و کلان-شهرها، کانون‌های زیرسیستمی این سازمان فضایی - مکانی (کشور) را تشکیل می‌دهند. این تعامل ساختاری در نظام کشور - شهر نشان می‌دهد هر گونه قدرت یابی اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و حتی تاریخی شهرهای ایران اعم از پایتخت، کلان‌شهرها، شهرهای میانه و حتی شهرهای کوچک در مقیاس‌های محلی، به روشنی در ارتقاء قدرت و اقتدار ملی انعکاس خواهد یافت.

بررسی وزن مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی و قدرت ملی ایران در نظام سلسله مراتب قدرت جهانی، نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه قدرت ملی در رتبه‌ی بیستم در بین ۱۳۹ کشور جهان و در رتبه‌ی دوم میان کشورهای جنوب غرب آسیا، پس از ترکیه قرار دارد و بر اساس سند چشم‌انداز بیست ساله باید در سال ۱۴۰۴ به قدرت برتر منطقه‌ای تبدیل شود (حافظ نیا و زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۰۰). این در حالی است که شهرهای ایران - به مثابه زیرسیستم‌هایی با ساختار سلسله‌مراتبی - به دلیل چالش‌های نرم افزاری (قوانین و مقررات، سیاست‌ها و ساختارها) و سخت‌افزاری (امکانات، زیرساخت‌ها، تجهیزات و تأسیسات شهری) هنوز نتوانسته‌اند در ساختار سلسله‌مراتبی و شبکه شهرهای جهان، به جایگاه درخور توجهی دست یابند (رهنما، ۱۳۸۵: ۶۰).

به عبارت دیگر پیش از آن‌که رشد، توسعه و افزایش قدرت و نقش آفرینی شهرها در ایران، منوط به شکوفایی فرصت‌ها و ظرفیت‌های ذاتی هر شهر باشد؛ به قدرت، متغیرهای

تأثیرگذار در قدرت ملی وساختارهای متمرکز برنامه ریزی بستگی دارد. یعنی تزریق جریان رشد از بالا به جای تسری رشد از پایین. از این رو مرتبه‌ی قدرت ملی ایران منتج از مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی، همیشه در جایگاه مناسبتری نسبت به جایگاه شهرهای ایران در شبکه‌ی شهرهای جهانی است.

با اعتقاد به نقش آفرینی شهرها در ارتقاء قدرت ملی از دیدگاه ژئوپلیتیک، دانش ژئوپلیتیک شهری از این ظرفیت برخوردار است که با امکان‌سنجی ژئوپلیتیکی شهرهای ایران در مقیاس‌های محلی، ملی و حتی بین‌المللی، به شناسایی ساز و کارهای قدرت‌آفرین شهری پرداخته و آنها را در راستای تقویت اقتدار ملی سامان‌دهی کند.

#### پ) ژئوپلیتیک شهری و آمایش سرزمین در ایران

به گمان برخی محققان، ریشه‌های بحران ژئوپلیتیک در ساختار فضایی - مکانی جمعیت ایران، به میانه‌ی دهه‌ی ۱۳۴۰ باز می‌گردد. گسیل لجام گسیخته‌ی جمعیت از شهرهای کوچک و روستاها به سوی شهرهای بزرگ، طی چند دهه، شالوده‌ی سازمان فضایی جمعیت ایران را از اساس دگرگون ساخت و موج فراگیر و پیش‌رونده‌ی شهرنشینی در کشور، به هم ریختگی، ناموزونی و عدم تعادل در ساختار سلسله‌مراتب و شبکه‌ی شهری کشور را سبب گردید. برآیند این بحران یعنی اندیشه‌ی «آمایش سرزمین»، راه حل مؤثر در تخفیف این چالش را تمرکززدایی از پایتخت و کلان‌شهرها قرار داد. پس از وقوع انقلاب اسلامی ایران و آغاز جنگ عراق علیه ایران، ضمن تشدید عدم تعادل‌های منطقه‌ای، تمرکزگرایی شهری تداوم یافت (پور احمد، ۱۳۸۰: ۴۸۸).

"آمایش سرزمین" و راهبردهای مقیاسی آن یک موضوع ژئوپلیتیکی است و بیش از آن که یک سیاست تصمیم‌سازی باشد، یک تصمیم‌سازی سیاسی است که حکومت‌ها با نام دولت و در راستای آمایش سازمان فضایی کشور، کاهش تباینات منطقه‌ای، سهولت در کنترل قلمرو حاکمیتی شان و در نهایت تقویت قدرت و اقتدار ملی به آن مبادرت می‌ورزند. از این رو در چارچوب سیاست‌های آمایش سرزمین، تحلیل ساختار سلسله‌مراتبی شبکه‌ی شهرهای ایران

نیز، از دیدگاه ژئوپلیتیک و مناسبات و روابط قدرت، سیاست و رقابت، ما را به رویکردی جدید از دانش ژئوپلیتیک، یعنی ژئوپلیتیک شهری رهنمون می‌سازد و موضوعاتی جدید چون، قدرت یابی و رقابت جویی شهرها در سطوح مختلف فضایی، تخصص‌گرایی شهری، ژئوپلیتیک شهرهای میانی در نظام شبکه‌ای شهرهای ایران، نقش آفرینی جغرافیایی-سیاسی شهرها و ... را مطرح می‌سازد.

### ت) ژئوپلیتیک شهری؛ تحلیل مناسبات قدرت و سیاست در مدیریت شهری ایران:

تردیدی نیست که مدیریت شهری در ایران علی‌رغم پذیرش رویه‌های مشارکت جویانه، تا رسیدن به مدیریت راهبردی مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی درون و بیرون شهرها، راه‌درازی درپیش دارد و از آن‌جا که اساس محوری شکل‌گیری، بازتولید و پایداری قدرت ملی و آمایش فضایی، شهرها و بخصوص کلان‌شهرهاست؛ مدیریت شهری در ایران به عنوان یک پوشش واسطه‌ای میان شهر و کشور، نقشی مهم در پایه‌ریزی، نظم‌یابی و ارتقاء قدرت ملی ایفا می‌کند. علی‌رغم شکل‌گیری شوراهای شهر به عنوان نماد مشارکت شهروندان در عرصه‌های تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی‌های مدیریت شهر، هنوز هم عملاً ما در شهرهای ایران، با تنوع، تعدد و گاه تفرق کانون‌های قدرت و مدیریت سیاسی، اداری و اجرایی شهری روبرو هستیم. نگاه صریح به اضلاع مدیریت شهری ایران از پنجره‌ی ژئوپلیتیک شهری، نشان‌دهنده‌ی حضور چهار کانون تصمیم‌گیری در صحنه‌ی مدیریت شهری ایران است (خلیل آبادی، ۱۳۸۹: ۹۷).

- مدیریت مذهبی و کارزماتیک ائمه‌جمعه و برخوردار از قدرت متعالی روحانی و

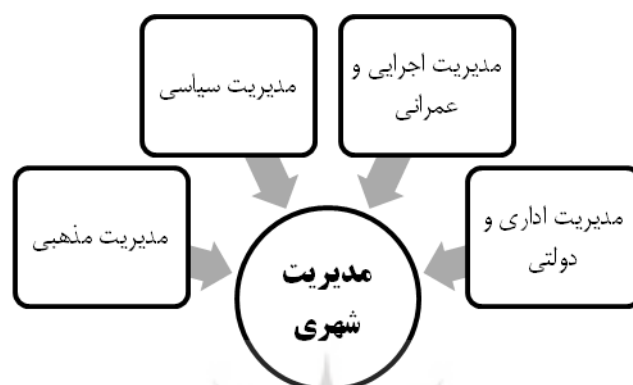
معنوی<sup>(۳)</sup>؛

- مدیریت اجرایی و عمرانی (شهرداری و شورای شهر)؛

- مدیریت سیاسی (نمایندگان حوزه‌های انتخابیه)؛

- مدیریت اداری - دولتی.

نمودار شماره ۱. اضلاع مدیریت شهری در ایران از دیدگاه ژئوپلیتیک شهری (همان، ۹۷)



آنچه در خصوص مدیریت شهری شهرهای ایران در حال گسترش است، مدیریت ناپایدار و بی ثبات شهری به دلیل سوگیری های سیاسی، عزل و نصب های جناحی و دور از شایسته سالاری، جنگ قدرت و رقابت میان برخی کانون های قدرت شهری، عدم شفافیت قانونی حوزه ی مداخله کانون های مدیریت شهری، ناهماهنگی تصمیمات اتخاذ شده میان اضلاع مدیریت شهری و... که به تضعیف ظرفیت های توسعه ی شهری انجامیده است. در این میان ژئوپلیتیک شهری با مکاشفه در روابط و مناسبات قدرت میان کانون های تصمیم گیری در فضای شهر، می تواند ابزار مناسبی برای شناسایی تهدیدات و چالش های موجود در تقابل مؤلفه ها و کانون های برخوردار از قدرت ژئوپلیتیک باشد و با کشف جایگاه سیاست در روابط میان اضلاع مدیریت شهری و نیز مدیریت شهری با مردم، ابعاد، زمینه ها و پیامدهای آن را تشریح نماید.

#### نتیجه گیری

طرح رویکرد جدید در تحلیل های ژئوپلیتیک نشان داد که گستره ی مطالعات و تحقیقات شهری معاصر ایران به نوعی ژئوپلیتیک با مقیاس شهر نیازمند است تا از طریق آن بتوان به

تعاملی سازنده میان حوزه‌های مطالعاتی گسسته در متن شهر، دست یافت. چرا که گمان می‌رود با توجه به نقش کلیدی مناطق استراتژیک و حساس اغلب شهرها، به ویژه شهرهای مهم ایران، این فضاها بتوانند به عنوان سایت‌های ژئوپلیتیک، به شکلی کارآمد واز دیدگاه روابط قدرت، رقابت و بازنمودهای مخرب (خشونت) یا سازنده (مشارکت سازنده) آن، مورد تحلیل و بررسی قرارگیرند. اقدامی که سبب خواهد شد تا مسیرها و افق‌های جدید و کارآمدتری، در تحلیل، نظریه پردازی و بسط دانش جامعه‌شناسی شهری جدید، جغرافیای شهری، برنامه‌ریزی شهری و دانش ژئوپلیتیک معاصر ایران گشوده شود.

#### توضیحات

۱. طرح‌واره یا پارادیم، مجموعه‌ی عقاید، باورها، روش‌ها و تکنیک‌هایی است که گروهی از پژوهشگران یک رشته‌ی علمی برای پاسخ‌گویی به نیازهای رشد‌یابنده در آن جامعه علمی، به کار می‌گیرند.
۲. متن سخنرانی دکتر پیروز مجتهدزاده در "کانون توحید" لندن، در جلسه‌ی مورخ ۱۰ اسفند ۱۳۸۷ (۲۸ فوریه ۲۰۰۹). روزنامه اطلاعات - ۱۳۸۸/۰۱/۱۶.
۳. همچنین در شهرهای مذهبی ایران، تولیدهای اماکن متبرکه، همچون آستان قدس رضوی در کلان‌شهر مشهد و آستان مقدس حضرت معصومه (س) در شهر قم نیز، از کانون‌های بسیار اثرگذار در مدیریت شهری تلقی می‌شوند.

## منابع و مأخذ:

۱. بای، یار محمد، (۱۳۸۸)، *ژئوپلیتیک تاریخی ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۲. پوراحمد، احمد، (۱۳۸۰)، *"آمایش سرزمین و ایجاد تعادل در نظام شهری کشور"*، مجله‌ی علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۳۶، تهران.
۳. پاپلی یزدی، محمدحسین، (۱۳۷۶)، *"ژئوپلیتیک، اهمیت ژئوپلیتیک شرق و شمال شرق ایران"*، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، شماره پیاپی ۴۳، بهار و تابستان، مشهد.
۴. جوان، جعفر، و سقایی، مهدی، (۱۳۸۳)، *ژئوپلیتیک گردشگری در جهان و ایران*، نشریه‌ی حیات اقتصادی، شماره ۷۴.
۵. حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، *"تعریف نو از ژئوپلیتیک"*، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال پانزدهم، شماره ۳ و ۴.
۶. \_\_\_\_\_، (۱۳۸۵)، *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، چاپ اول، مشهد، انتشارات پاپلی (وابسته به پژوهشکده امیر کبیر).
۷. \_\_\_\_\_، و زرقانی، سیدهادی، (۱۳۸۶)، *جایگاه جمهوری اسلامی ایران در نظام ژئوپلیتیک جهانی و منطقه‌ای*، فصلنامه‌ی راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره هجدهم.
۸. خلیل آبادی، حسن، (۱۳۸۹)، *ژئوپلیتیک شهری، مطالعه‌ی موردی: شهرستان نیشابور*، عزتی، عزت ا..، دانشگاه بین‌المللی چابهار، گروه آمایش سرزمین، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد.
۹. دانشپور عبدی، زهره، (۱۳۸۷)، *درآمدی بر نظریه‌های برنامه‌ریزی با تأکید ویژه بر برنامه‌ریزی شهری*، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۱۰. رهنما، محمد رحیم، (۱۳۸۵)، *"موانع، مشکلات و راهکارهای جهانی شدن شهرهای ایران"*، مجله‌ی جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره هشتم، بهار و تابستان.
۱۱. سعدالدین، رشدیه، (۱۳۵۰)، *سیاست جغرافیایی ژئوپلیتیک*، چاپ اول، تهران، انتشارات درخشان.
۱۲. شکری، یدالله (۱۳۶۹). *گزیده تاریخ جهانگشای جوینی*، مؤسسه‌ی انتشاراتی امیر کبیر، چاپ اول، تهران.

۱۳. شیعه، اسماعیل (۱۳۸۰). *مبانی برنامه ریزی شهری*، انتشارات دانشگاه علم و صنعت، چاپ دوم، تهران.
۱۴. عزتی، عزت الله، (۱۳۷۳)، *ژئواستراتژی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۵. ————، (۱۳۷۷)، *ژئوپلیتیک*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۶. ————، (۱۳۸۰)، *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۱۷. کاظمی، سید علی اصغر، (۱۳۷۳)، *روابط بین الملل در تئوری و در عمل*، چاپ اول، تهران، نشر قومس.
۱۸. کست، ایولا و ژیبیلین بئتریس، ترجمه‌ی علی فراستی، (۱۳۷۸)، *عوامل و اندیشه‌ها در ژئوپلیتیک*، چاپ اول، تهران، نشر آمن.
۱۹. مایل افشار، فرحناز، (۱۳۸۳)، *ژئوپلیتیک شیعه*، روزنامه سیاست روز، سال دهم، شماره ۱۷۶.
۲۰. مجتهد زاده، پیروز، (۱۳۸۱)، *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
۲۱. مرکز آمار ایران، خلاصه گزارش، (۱۳۸۶)، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی.
۲۲. میرحیدر، دره، (۱۳۷۷)، *ژئوپلیتیک*، ارائه تعریفی جدید، فصلنامه‌ی تحقیقات جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۴.
۲۳. نظریان، علی اصغر، (۱۳۷۹)، *جغرافیای شهری ایران*، چاپ اول، تهران، انتشارات پیام نور.

## منابع انگلیسی

۲۴. Architecture and Building Engineering. November (۲۰۰۹).
۲۵. Berman, B. (۱۹۹۶), *falling Towers: City Life after Urbicide*, in Journal of Geography and identity.
۲۶. Chatterton, Paul. And Natasha Gordon. (۲۰۰۸), *To the streets! Voices from Argentina's popular uprising Conversations with Indymedia Argentina and the Unemployed Workers Movement of Solano*<sup>۱</sup>, Journal Of Alternatives City, ۸: ۱.
۲۷. Graham, Stephan. (۱۹۹۸), *Global Grids of Glass: On Global Cities*, Telecommunications and Planetary Urban Networks, Urban Studies, Vol. ۳۶, Nos.



۲۸. Graham, Stephan. (۲۰۰۱), *Information Technologies and Reconfigurations of Urban Space*, International Journal of Urban and Regional Research Volume ۲۵.۴ June ۲۰۰۱.
۲۹. Graham, Stephan. (۲۰۰۴), *Cities, War and Terrorism: Towards an Urban Geopolitics* (Oxford: Blackwell ۲۰۰۴).
۳۰. Ingram, Alan and Klaus Dodds (۲۰۰۹), *Spaces of Security and Insecurity Geographies of the War on Terror*, Ashgate Publishing Limited, British Library Cataloguing in Publication Data.
۳۱. Purcell, Mark. (۲۰۰۳). *Citizenship and the Right to the Global City: Reimagining the Capitalist World Order*. International Journal of Urban and Regional
۳۲. Scott. A. j. (۲۰۰۰). *The Cultureal economy of Paris*. Volume ۲۴. Septamber /۲۰۰۰. International Journal of Urban Regional research.
۳۳. Sontag, S. (۲۰۰۳), *The Telling Shot*, *The Guardian Review* , ۱ February.
۳۴. Throgmorton. J. A. (۲۰۰۵). *Where Muhammad Ali Learned to Fight: Inventing a Sustaining Myth for a Place Called Louisville*. the University of Iowa.
۳۵. Tuathail. Gearóid, Simon Dalby, (۱۹۹۸), *GEOPOLITICS*, First published in ۱۹۹۸ by Routledge, London EC۴P ۴EE.
۳۶. Tuathail, Gearóid, Simon Dalby (۱۹۹۸). *Rethinking Geopolitics*, First published in ۱۹۹۸ by Routledge
۳۷. Tuathail. Gearóid, Simon Dalby, Paul Routledge (۲۰۰۳), *THE GEOPOLITICS READER*, published in the Taylor & Francis e-Library.
۳۸. Virilio, P. (۲۰۰۲), *Desert Screen: War at the Speed Of light*. London, Continuum.
۳۹. Zahda. Nisreen. (۲۰۰۹). *Urban Growth in Complicated Geopolitical Urban Context -Analyzing the Growth Patterns on Fringe Area in Hebron City-*. Journal of Asian

منابع فرانسه

۴۰. Lacoste, Yves. (۲۰۰۶). *Géopolitique*, la longue histoire d'aujourd'hui .Paris: Larousse.
۴۱. Lasserre, Frédéric. (۲۰۰۵). *Eaux et Territoires: Tensions, Coopérations et Géopolitique del 'ea/ Frédéric Lasserre et Luc Descroix avec la collaboration de Jean Burton et Anne Le Stral Sainte-foy*, Presses de l'Université du Québec.
۴۲. Sandara. Breux. (۲۰۰۷). *Géopolitique et Géopolitique Urbaine*. Capsules, ۵-۲۰.